

دروس آموزشگاههای وزارت عدلیه آموزشگاه قضائی

دنباله شماره پیش

درس آقای دکتر جلال عیده

اصول محاکمات حقوقی

را طرح می کند و بعد فوت میشود ورثه او که از اقامه دعوی اولی مسبوق نیستند بدادگاه دیگری که صلاحیت دارد عرض حال می دهند در اینصورت مدعی علیه که یکمرتبه در دادگاه اول و دفعه دیگر در دادگاه ثانی احضار شده است ایراد میکند که عین همین دعوی سابقاً اقامه شده بنا بر این دادگاهی که ثانیاً بآن مراجعه شده از رسیدگی خودداری مینماید ضمناً یادآوری میکند موردیکه در دادگاه صلاحیت برای رسیدگی داشته باشند بسیار است

اکنون ملاحظه کنیم که بند سوم قسمت دوم: «اگر همان موضوع نیست موضوعی است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد» چه وقت تحقق پیدا میکند شرایط لازم عیناً همان است که ذکر شد با این اختلاف که در این مورد عین دعوای اولی در دادگاه ثانی طرح نیست بلکه دعوائی است که با دعوای اولی رابطه تامی دارد در اینصورت هم دادگاهی که مؤخرأ بآن مراجعه شده است میبایستی از رسیدگی خودداری نماید.

۳) در صورتیکه دعوی متوجه شخص مدعی علیه نباشد نسبت به تفسیر این عبارت تغییر پیدا شده است ۴- سابقاً دادگاهها اینطور میگفتند منظور از عبارت نامبرده این است که اگر دعوائی از طرف کسی مثلاً بر حسن پسر حسن شد و حسن پسر حسن خود را مدعی علیه این دعوی نداند حق دارد ایراد کند که دعوا متوجه بار نیست ولی امروز در عمل مفهوم آنرا توسعه داده و موارد

۴ - در صورتیکه مدعی علیه بعلت صغر یا عدم رشد یا جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال و حقوق مالی خود در نتیجه حکم ورشکستگی اهلیت نداشته باشد
۵ - هرگاه وکالت کسی که از طرف مدعی اقامه دعوی کرده محرز نباشد.

۶ - در صورت مرور زمان
۱) نسبت به قسمت اول یعنی وقتیکه دعوی ذاتاً راجع بدادگاه دیگری است توضیحات کافی سابقاً داده شده
۲) نسبت به بند اول قسمت دوم یعنی وقتیکه دعوی از جهت صلاحیت محلی راجع بدادگاه دیگری است نیز مطلب روشن شده است.

حال اگر موضوعی در دو دادگاه تحت رسیدگی باشد چه صورتی پیدا میکند برای اینکه بتوان بدین عنوان ایراد نمود سه شرط لازم است وجود داشته باشد:
الف) هر دو دادگاه در عین حال دعوی را رؤیت کرده باشند

ب) هر دو دادگاه نسبت بدعوی صلاحیت داشته باشند اگر یکی از دادگاهها صالح نبوده باشد در اینصورت جای ایراد عدم صلاحیت است نه ایراد مورد بحث.

ج) که دعوی مطروح در یکی از دادگاهها عیناً در دیگری طرح شده باشد شاید در بدو امر نتوان تصور کرد که چطور یک دعوا در عین حال در دو دادگاه مطرح میشود. ولی اغلب پیش می آید که کسی در دادگاهی دعوی

ذیل را از مصادیق آن میدانند.

کسی بدون مالکیت و خلع ید از ملکی بردیگری اقامه دعوا میکند مدعی علیه میگوید دعوی متوجه او نیست زیرا او نسبت بملک مورد ادعا تصرفی ندارد. کسی بردیگری بعنوان طلبی که از مورثش دارد تقاضای پرداخت طلب مینماید وارث میگوید که او تصرفی در ترکه ندارد بنا بر این دعوی باو متوجه نیست.

نسبت قسمت ۴ و ۵ سابقاً درباب شرایط دعوی توضیحات کافی داده شده است

مدعی علیه می بایستی دارای اهلیت و عنوان قانونی باشد تا بتوان بر علیه او اقامه دعوی کرد - وگرنه حق ایراد را خواهد داشت نسبت بقسمت ششم رجوع شود بقانون مرور زمان مصوب ۳۱ بهمن ۱۳۰۶ و قانون مرور زمان اموال منقوله مصوب تیر ماه ۱۳۰۸ و قانون متمم قانون مرور زمان اموال منقول مصوب ۱۳ تیر ماه ۱۳۱۰

غیر از این موارد ایرادات دیگری هست که ممکن است از قوانین دیگر استنباط نمود:

(۱) بموجب مستفاد از ماده ۳۳ «آزمایش در صورتیکه عرضحال و منضمات آن موافق مقررات تبلیغ نشود مدعی علیه حق ایراد دارد ولی بموجب ماده چهارم قانون تسریع عدم رعایت قوانین راجع به ترتیب صورت عرضحال حق امتناع از جواب را بمدعی علیه نمیدهد

(۲) بموجب ماده (۱) قانون اجازه اخذ تأمین خسارت و مخارج محاکمه از اتباع خارجه اگر مدعی خارجی خسارات و هزینه محاکمه را تأمین نکند مدعی علیه حق ایراد دارد

(۳) اگر یکی از شرایط دعوی از قبیل نفع درد دعوی موجود نباشد نیز مدعی علیه میتواند ایراد بعدم استماع

دعوی نماید بموجب مستفاد از اصول کلی اگر دعوی سابقاً مورد حکم قطعی یا صالح واقع گردیده مدعی علیه حق دارد ایراد نماید.

این مورد در ماده ۶۵ قانون آزمایش پیش بینی شده بود ولی قانون تسریع محاکمات ذکری از آن نموده ممکن است آثار مشمول عنوان اسقاط دعوی که ضمن ماده ۸ قانون تسریع پیش بینی شده قرارداد.

۴ - اسقاط دعوی از جمله ایرادات در ماده ۱ قانون تسریع ذکر نشده ولی ماده ۸ قانون تسریع در مقام بیان قرارهاییکه مستقلاً قابل استیناف و تمیز هستند قرار اسقاط دعوی را ذکر نموده از اینجا میتوان نتیجه گرفت که اسقاط دعوی از جمله ایرادات بشمار میرود حال به بینیم منظور از اسقاط دعوی چیست ممکن است برای اسقاط دعوی معنی خاصی قائل شدو گفت ایراد اسقاط دعوی ناظر بمورد اعتراض به ثبت املاک و بطور کلی هر موردی است که با گذشتن مدتی دعوی ساقط میشود ممکن است همانطوریکه فوقاً شرح دادیم برای اسقاط دعوی مفهوم وسیعی قائل شده و موارد مذکور در قسمت ۳ را از مصادیق آن بدانیم -

ولی در عین حال باید تصدیق کرد که شمول مفهوم اسقاط دعوی نسبت بموارد مذکور از قسمت ۳ «دعوی سابقاً مورد حکم قطعی واقع گردیده» تکلف است و بهتر است که آن را باسم رد دعوی چنانچه در مقدمه بحث ایرادات ذکر کردیم بنامیم ولی رد دعوی در قانون ما عنوانی ندارد و اگر دادگاهها آنرا تحت این عنوان در میاورند آنوقت قرار مزبور مستقلاً قابل استیناف و تمیز نمی بود و بهمین جهت بعضی از دادگاهها آن را مشمول عنوان در عرضحال دانستند تا قابل استیناف و تمیز باشد.